



The Methodology of Jurisprudential Subject Identification of Deviant Mahdism Movements*

Mohammad Ali Khademi Kusha¹ 

1. Assistant Professor, Research Center for Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
khademi@isca.ac.ir



Abstract

Dealing with deviant Mahdism movements in accordance with Islamic principles is a challenging issue due to their great diversity. To address this challenge, it is essential to carry out a comprehensive and inclusive jurisprudential subject identification. Without this, it is impossible to properly identify the types of subjects and the jurisprudential categories and issues that apply to them. Therefore, this paper aims to establish a comprehensive methodology for the jurisprudential subject identification of deviant Mahdism movements, focusing on how and in what stages this identification process should be carried out. The need for this study stems from the necessity of responding to and understanding the jurisprudential issues related to confronting deviant Mahdism movements. The research method is descriptive-analytical, conducted in accordance with jurisprudential authenticity and credibility, based on common social understanding. The goal of this research is to guide the discovery of comprehensive jurisprudential issues concerning deviant Mahdism movements so that subsequent jurisprudential research on this topic can

* **Cite this article:** Khademi Kusha, M. A. (2024). The Methodology of Jurisprudential Subject Identification of Deviant Mahdism Movements. *Journal of Mahdavi Society*, 4(9), pp. 69-108.
<https://doi.org/10.22081/JM.2024.69781.1098>

□ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2024/08/28 • **Revised:** 2024/09/12 • **Accepted:** 2024/09/30 • **Published online:** 2024/11/14

be comprehensive and all-encompassing. The novelty of this article lies in presenting a comprehensive analytical method based on the three existential dimensions of each subject, through which each movement is analyzed according to its founding objectives, content, constituent elements, and outcomes, allowing for the identification of its relevant jurisprudential titles and rulings.

Keywords

New Religious Sects, Jurisprudential Subject Identification, Deviant Mahdism, False Claimants, Waiting (for Imam Mahdi).

روش موضوع‌شناسی فقهی جریان‌های انحرافی مهدویت*

محمدعلی خادمی کوشا^۱ 

۱. استادیار، پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

khademi@isca.ac.ir



چکیده

برخورد منطق با موازین اسلامی با جریان‌های انحرافی مهدویت برای تنوع بسیار زیاد آنها، یکی از مسئله‌های فقهی مشکل است و برای حل این مشکل، انجام موضوع‌شناسی فقهی جامع و فراگیر ضروری است؛ زیرا بدون آن، شناخت نوع موضوع و مسئله‌های و عناوین فقهی منطق بر آنها ممکن نیست؛ براین اساس موضوع این مقاله، شناخت روشی جامع برای موضوع‌شناسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت است. که در پی شناخت چگونگی و مراحل انجام موضوع‌شناسی فقهی در مورد این فرقه‌ها و جریان‌ها است. ضرورت این مقاله بر اساس لزوم پاسخ‌گویی و ضرورت شناخت مسئله‌های فقهی در مواجهه با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت، آشکار است. روش تحقیق در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رعایت حجیت و اعتبار فقهی، با معیار ظهور عرفی انجام شده و هدف از این تحقیق، هدایت‌گری در کشف جامع مسئله‌های فقهی مربوط به فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت است تا پژوهش‌های فقهی در موضوع‌شناسی فقهی این فرقه‌ها و جریان‌ها به‌طور جامع و فراگیر انجام شود. نوآوری این مقاله، عرضه روش تحلیل جامع بر پایه سه بُعد وجودی هر موضوع است که بر اساس آن هر فرقه‌ای با توجه به اهداف تشکیل‌دهنده، محتوا و ارکان تشکیل‌دهنده و پیامدهای‌اش مورد شناسایی فقهی می‌شود تا معلوم شود دارای چه عناوین فقهی و چه احکامی است.

کلیدواژه‌ها

فرقه‌های نوپدید، موضوع‌شناسی فقهی، مهدویت‌های انحرافی، مدعیان دروغین، انتظار.

* **استاد به این مقاله:** خادمی کوشا، محمدعلی. (۱۴۰۳). روش موضوع‌شناسی فقهی جریان‌های انحرافی مهدویت.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.69781.1098>

جامعه مهدوی، ۹(۴)، صص ۶۹-۱۰۸.

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

مقدمه

شناخت وظیفه فرد، جامعه و حاکمیت در مورد فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت یکی از مسئله‌های فقهی مهمی که امروزه برای تكثر انواع آنها و گاهی پیچیدگی ساختار تشکیلاتی و اهداف تشکیل آنها و داشتن آثار فراوان فردی و اجتماعی مشکل است و برای حل این مشکل، انجام موضوع‌شناسی فقهی جامع و فراگیر ضروری است؛ زیرا بدون آن، شناخت نوع موضوع و مسئله‌ها و عناوین فقهی منطبق بر آنها ممکن نیست.

موضوع‌شناسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت، یک پژوهش میان رشته‌ای است که از داده‌های برخی دانش‌های غیر فقهی از جمله تاریخ و کلام و نیز دانش اجتماعی بهره‌می‌برد و با روشی که از نگاه فقهی معتبر و نتیجه بخش باشد افزون بر اینکه به بررسی آنها از دید انحرافی بودن و نبودن می‌پردازد، به کشف عناوین فقهی قابل انطباق بر آن می‌پردازد و تعیین می‌کند یک فرقه و جریان انحرافی، موضوع کدام یک از احکام شرعی است.

با وجود اینکه از اوایل اسلام تاکنون ظهور فرقه‌های دینی و مذهبی رواج داشته است فقط حکم فقهی پیروان آنها در کتاب‌های فقهی مورد توجه بوده است؛ اما به مرور زمان و با شکل‌گیری تشکیلات سازمان یافته و حمایت‌های قدرت‌های معارض جهانی و پیدایش آثار فراوان اجتماعی و اعتقادی شرایطی فراهم آمد که مواجهه با این فرقه‌ها را در دور تازه‌ای قرار داد به ویژه که بسیاری از این فرقه‌ها به ظاهر اعلام سازگاری با ادیان و فرقه‌ها داشته و خود را معارض نمی‌بینند. در چنین شرایطی یکی از امور ضروری در مواجهه با این فرقه‌ها، موضوع‌شناسی آنها است.

جایگاه مهم موضوع‌شناسی در بررسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت، بیانگر اهمیت بهره‌گیری از روش صحیح و جامع در فرایند آن است، از طرفی هم بر اساس لزوم پاسخ‌گویی و ضرورت شناخت مسئله‌های فقهی در مواجهه با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت، شناخت روش کامل و معتبر در موضوع‌شناسی ضرورت دارد؛ زیرا در بررسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت با عنایت به اینکه فقیه

با عنوان روشنی از موضوعات و عناوین فقهی مواجه نیست، نیاز به روشی است که موضوع مورد نظر هرچه بیشتر به‌طور جامع شناسایی شود. جامع‌نگری در شناسایی فقهی فرقه‌ها افزون بر اینکه به روش بررسی فرقه‌ها از نگاه انحرافی بودن و نبودن می‌پردازد، راه و روش تطبیق موضوعات احکام شرعی بر یک فرقه انحرافی را بیان می‌کند.

موضوع این مقاله شناخت روشی جامع برای موضوع‌شناسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت است که به شناخت چگونگی و مراحل تطبیق روش و مراحل انجام موضوع‌شناسی فقهی در مورد این فرقه‌ها و جریان‌ها است؛ بنابراین موضوع این مقاله بررسی حکم فقهی فرقه‌های انحرافی مهدویت نیست بلکه فقط در پی نمایش روش موضوع‌شناسی فقهی و مراحل شناخت عناوین فقهی در مورد این فرقه‌ها و جریان‌ها است.

روش تحقیق در این مقاله، روش توصیف و تحلیل با رعایت حجیت و اعتبار فقهی در شناخت مفاهیم و موضوعات است که مبتنی بر ظهور عرفی است.

هدف از این تحقیق، دستیابی به یک روش جامع، جهت موضوع‌شناسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت و هدایت‌گری در کشف جامع مسئله‌های فقهی مربوط به آنها است. تا پژوهش‌های فقهی در موضوع‌شناسی فقهی این فرقه‌ها و جریان‌ها به شکل جامع و فراگیر انجام شود.

نوآوری این مقاله نمایش روش تحلیل جامع بر پایه روش تحلیل سه بُعدی در موضوع‌شناسی فقهی است و بر اساس آن پیشنهاد می‌دهد تا در موضوع‌شناسی فقهی هر فرقه اولاً با توجه به انواع اهداف فرقه‌ها و ثانیاً با تحلیل همه جهت‌های محتوایی و ارکان تشکیل‌دهنده آن و ثالثاً با مطالعه لوازم و پیامدهای آن مورد شناسایی فقهی قرار گیرد تا معلوم شود دارای چه عناوین فقهی و چه احکامی است.

مراحل تحقیق در این مقاله با توجه به شناخت روش موضوع‌شناسی و سپس ابعاد وجودی موضوع مورد نظر (فرقه‌ها و جریان‌های مهدوی) و توصیف مشخص می‌شود؛ بنابراین ابتدا روشی به‌عنوان روش جامع برای موضوع‌شناسی در جهت استنباط احکام فقهی عرضه می‌شود و سپس بر اساس آن مراحل شناخت فقهی فرقه‌های نوظهور

تبیین می‌شود تا بدینسان راه شناخت وظیفه افراد و حکومت در چرخه حکمرانی مشخص شود.

۱. تبیین و اثبات روش تحلیل جامع برای موضوع‌شناسی فقهی

رویکرد رایج و مشهور فقیهان برای مطالعه فقهی موضوعات که بیشتر در منابع فقهی گذشتگان و جانشینان آنها دیده می‌شود، نگاه فقیه به موضوع و شناسایی اجزاء و عناصر آن است. در این نگاه، عملیات موضوع‌شناسی محدود به خود موضوع است و حکم فقهی بر اساس بررسی ذات موضوع استنباط می‌شود؛ اما اموری مثل اهداف شکل‌گیری و آثار و پیامدهای موضوع در مرحله کشف حکم اولی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و فقط به میزان محدودی در استنباط حکم ثانوی دیده می‌شود.

اما باید توجه داشت که گاهی موضوع به گونه‌ای است که عنوان و مفهوم آن در ادله و منابع فقهی نیامده است و از طرفی یک موضوع بسیط نبوده است تا به راحتی بر اساس قواعد فقهی و اصول اجتهادی (ادله و امارت) و یا در آخر با اصول فقاهتی (اصول عملیه) حکم فقهی آن را تعیین کرد بلکه گاهی دارای ساختار پیچیده است. در این موارد، موضوع‌شناسی دشوار خواهد بود به خصوص اگر به‌طور کامل نوپدید باشد و در بین منابع فقهی هم از آن گفتگویی نشده باشد که گاهی برای پژوهشگران فقهی، نقطه شروع و شیوه ورود به حل مسئله فقهی مبهم است. در این نوع موارد شناخت تحلیلی موضوع برای فقیه لازم است به همین دلیل برخی فقیهان تحلیل موضوع در مسئله‌های نوپدید را از نکات مهم در حل مسئله شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۱).

با توجه به مطلب بالا، رویکرد دیگری که پیشنهاد این قلم است این است که برای حکم اولی موضوع در مواردی که عنوان موضوع در منابع نیامده است باید در قالب یک تحلیل جامع، هر آنچه همراه موضوع است و می‌تواند در حکم فقهی آن تأثیرگذار باشد، بررسی شود و آن عبارت است از؛ نظر تحلیلی در سه جهت وجودی موضوع، محتوای موضوع و چگونگی پیدایش آن - اهداف و کارکردهای موضوع - آثار و پیامدها.

اینکه چرا فقط این جهات بررسی می‌شود نه بیشتر، به دلیل این است که هر امر ملازم و همراه پدیده‌ها که در مطالعه آنها باید لحاظ شود از دو حال خارج نیست: یا داخل ذات موضوع است که شامل عناصر داخلی موضوع و شکل و ترکیب آنها است (ماده و صورت) یا داخل ذات موضوع نیست که دو حالت دارد یا تأثیر در ایجاد موضوع دارد یا ندارد، اگر تأثیر در ایجاد موضوع دارد یا از نوع فاعل است (علت فاعلی) یا از نوع فاعل نیست (علت معدّ)، اگر تأثیری در ایجاد موضوع ندارد و فقط آثار یا لوازم موضوع است از دو حال خارج نیست: یا مقصود و مورد نظر علت فاعلی است که به عنوان پایان موضوع خواهد بود. (علت غایی) و یا مقصود فاعل نیست که در این شکل فقط آثار و لوازم خواهند بود. پس با توجه به تقسیم میان نفی و اثبات، عقلی بودن حصر جهات مذکور روشن می‌شود.

جهات مذکور با بیان عرفی در سه جهت قابل دسته‌بندی است: دسته اول محتوای موضوع و چگونگی پیدایش آن است که در نگاه عرفی شامل اجزا و ارتباط آنها و شرایط پیدایش و ترکیب آنها (انواع علل مادی و صوری و معدّ) است؛ زیرا ذات موضوع در واقع ترکیبی از اجزا و شرایط و روابط و چهره ظاهری آنها است. دسته دوم: پایان موضوع است که از شئون فاعل است. دسته سوم: آثار و لوازم موضوع است که به طور کامل از ذات موضوع و فاعل آن متفاوت است.

اگرچه هیچ فقهی حتی در مورد فقه مسئله‌های نوپدید، همه جهات مذکور را در یک جا تبیین نکرده است ولی با استقراء در مطالعات فقهی روشن می‌شود در مواردی که صدق عنوان خاصی از عناوین فقهی وجود ندارد یا معلوم نیست، هر یک از جهات مذکور به شکل پراکنده در استنباط حکم فقهی مورد توجه فقیهان بوده است. گاهی به شناخت کلی اجزا و شرایط و نوع ترکیب موضوع جدید و انطباق آنها بر اجزا و نوع ترکیب موضوع منصوص پرداخته می‌شود. مثل بیان راه‌های شناخت نوع حیوانی که از حیوان غیرمشابه خود متولد شده است که بیشتر صدق عرفی عنوان را ملاک تعیین وضعیت آن اعلام کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۳۲؛ فقعی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۴). معلوم است که عرف در صدق عرفی به

مجموعه ماهیت عرفی اجزا و نوع ترکیب آنها و شباهت ظاهری توجه می‌کند. گاهی به وجود آثار و لوازم موضوع منصوص استناد می‌کنند که هم در شبهات موضوعیه است؛ مثل شناخت رطوبت مشته بین بول و منی و مایع مردد بین خمر و شربت. و هم در شبهات حکمیه است؛ مثل شناخت مصادیق خمر و مواردی که خاستگاه شبهه در آنها، وجود اجمال در دلیل حکم برای عدم بیان مفهوم موضوع باشد. گاهی نیز با استناد به شناسایی فاعل و هدف او، عنوان منطبق بر موضوع و حکم اولی آن را به دست می‌آورند؛ مثل موارد شناخت قتل عمد و خطا.

به منظور اثبات استواری روش مذکور در بررسی فقهی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت در جهان معاصر لازم است در ادامه جهات مورد نظر در تحلیل جامع سه بعدی با توجه به منابع فقهی و روش فقیهان تبیین شود.

۱-۱. تحلیل محتوای موضوع

مطالعه محتوای موضوع، ناظر به علت مادی موضوع است و با شناخت عناصر تشکیل‌دهنده موضوع و شناسایی روابط بین آنها انجام می‌گیرد. این جهت در بیشتر موضوعات نوپدید که تولیدات بشری هستند به تناسب فعل مکلف در حوزه تولید و توزیع و مصرف دارای عناصر وجودی متفاوتی خواهد بود به همین دلیل عناصر تشکیل‌دهنده موضوع در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف مورد مطالعه می‌شود.

شناسایی محتوایی موضوع در موضوع‌شناسی فقهی، امری مسلّم و بی‌نیاز از دلیل است زیرا بر اساس آنچه که در قاعده تبعیت بیان شده است، صدق عرفی موضوع، ملاک ثبوت حکم شرعی است (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۰؛ علامه حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۶۷؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۸۹) و از طرفی از نگاه عرفی شناخت صدق عرفی در هر موضوعی متوقف بر شناخت اجزا و روابط آنها با همدیگر و نوع ترکیب و چینش آنها است مگر اینکه جهت خاص دیگری مثل آثار و لوازم یک موضوع به عنوان موضوع حکم باشد مثل مُسکر که در این شکل چنانچه در ادامه بیان می‌شود تعیین‌کننده خواهد بود.

بررسی اجزا و شرایط تشکیل‌دهنده موضوع می‌تواند موضوعی را که به ظاهر به شکل یک موضوع است بر چند موضوع گوناگون که در فقه اسلامی دارای حکم مشخص است تطبیق نماید و بدینسان یک موضوع عرفی به چند موضوع فقهی تکثیر پیدا می‌کند. برای مثال سینما یا بازی رایانه‌ای برای اجزای گوناگون آن می‌تواند بر انواع هنرها و مکاسب انطباق یابد. عطرها و لوازم بهداشتی مصرفی که امروزه از تنوع فراوانی برخوردارند برای ترکیبات فراوان در تولید آنها مثالی روشن برای موضوعات متعدد در قالب یک موضوع اند که برای شناخت حکم فقهی آنها چاره‌ای جز شناخت آن اجزا نیست.

افزون بر اجزای موضوع بررسی روابط بین اجزا برای تعیین ماهیت اصلی، موضوعات مرکب لازم است زیرا گاهی فقط نوع رابطه بین اجزای یک مجموعه می‌تواند آن را از مجموعه دیگر جدا کند. به‌طور مثال اینکه قرارداد مبالغ بیشتر در معامله به‌عنوان جزئی از عوض است یا به‌عنوان بهره پول است می‌تواند عنوان قرارداد را تغییر دهد به همین دلیل برخی آن را حرام دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۳؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۳۴۱؛ طباطبائی حائری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳) و نیز در وام بانکی ازدواج (قرض الحسنه) پول اضافی که دریافت می‌شود در قبال حق الزحمه است و گرنه ربا خواهد بود.

۲-۱. تحلیل اهداف و کارکردهای موضوع

در انجام فعل اختیاری دو نوع قصد وجود دارد: یکی به اقتضای اختیاری بودن فعل است که حتی در افعال بیهوده هم وجود دارد و دیگری به اقتضای عقل و حکمت فاعل و غرض او از انجام فعل است. منظور از اهداف در این مبحث، صرف قصد و نیت فعل برای فاعل نیست بلکه قصدی است که مربوط به پایان و غرض و انگیزه فاعل از انجام فعل است که گاهی از آن با نام علت غائی یاد می‌شود.

بر اساس بررسی فقهی، هدف انسان به دو صورت در موضوعات احکام فقهی نمود دارد: صورت اول، گاهی هدف فاعل، جزئی از موضوع بوده و تغییر آن موجب تغییر

موضوع می‌شود. این نوع هدف در همه عبادات (به عنوان نیت امتثال و قصد تقرب) و نیز در همه افعال قصدی وجود دارد. صورت دوم، گاهی هدف خارج از مفهوم موضوع است مثل تطهیر با آب که وابسته به قصد و هدف فاعل در استفاده از آب نیست به همین دلیل اگر شخصی با بدن متنجس بدون هدف پاک شدن وارد آب جاری شود و اثر نجس از او برطرف شود تطهیر اتفاق می‌افتد و بلکه حتی بدون اختیار هم اگر اتفاق بیفتد همینطور است. و مثل خریدن انگور که به قصد معامله، بیع است ولی هدف از آن می‌تواند خوردن آن باشد و می‌تواند ساختن شراب و کالاهای حرام باشد.

در مواردی که هدف فاعل به عنوان جزئی از موضوع است بحثی در تأثیر آن در حکم فقهی نیست زیرا جزء موضوع بسان تمام موضوع در حکم فقهی تأثیر گذار است؛ اما در مواردی که هدف، خارج از مفهوم موضوع است تأثیر هدف در ارزش گذاری و تعیین حکم اولی موضوعات اگرچه مانند صورت اول نیست اما فی الجمله در فقه مورد توجه است و با کمی مطالعه در فقه مذاهب می‌توان دریافت که نقش هدف و قصد فاعل از انجام کار در حکم فقهی فعل مکلف از مسلمات فقه مذاهب اسلامی است.

تأثیر هدف در حکم فقهی فعل مکلف در میان مذاهب اسلامی افزون بر اینکه در قواعد فقهی مثل قاعده احسان و قاعده حرمت اعانه بر اثم و... مشهود است در موارد جزئی نیز مسلم دیده شده است. به طور نمونه: در فقه زیدی امام ابن المرتضی در مواردی حکم به حرمت را تابع قصد فاعل دانسته است به این بیان که اگر قصد مخالفت با شرع داشته باشد عمل او حرام است (ابن المرتضی، ۱۲۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۹؛ ابن المرتضی، ۱۲۰۷ق، ج ۴، ص ۸۲).

در فقه مالکی نیز برخی از جمله خطاب رعینی، در مواردی به نقش هدف در حکم فقهی به روشنی بیان کرده‌اند به طور مثال در مورد حکم ساختن بنا بر روی قبر، گفته‌اند تابع قصد فاعل است که اگر قصد فخر فروشی دارد حرام است و اگر قصد علامت گذاری دارد جایز است (خطاب الرعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۰).

در فقه حنفی نیز برخی مثل سرخسی، به روشنی بیان کرده‌اند که مشی و حرکت انسان اگر به قصد انجام گناه باشد خودش گناه است (السرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۳).

در فقه حنبلی هر عملی که به قصد انجام کار حرام باشد؛ از قبیل فروختن سلاح جنگی به دشمنان حربی و راهزنان و اهل فتنه، حرام دانسته شده است (عبدالله ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۱۶۸، عبد الرحمن بن قدامه، بی تا، ج ۴، ص ۴۱؛ البهوتی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۹).

در فقه امامیه نیز در برخی از موارد مکاسب محرمه به روشنی بیان شده است هر کالایی که دارای خصوصیات قابل استفاده در امور حرام باشد اگر در هنگام معامله، کاربرد حرام آن کالا مورد نظر و هدف فروشنده قرار گیرد آن معامله حرام است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۶۲؛ حلی مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹؛ حلی شمس الدین، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۲۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۲۰۰؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲) و همچنین در کتاب‌های اصولی در بحث تجزّی فاعل در مبحث قطع از مباحث حجت در علم اصول، به آن اشاره شده است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۹؛ شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۹).

برای اثبات تأثیر هدف در ارزش‌گذاری اعمال انسان، به یک نمونه از آیات قرآن اشاره می‌شود. تأثیر هدف در ارزش عمل به روشنی در آیات (۱۰۹ - ۱۰۷) از سوره توبه، مربوط به ساختن مسجد ضرار ترسیم شده است. مسجد ضرار براساس این آیات با هدف حرام ساخته شد و به همین دلیل به پیامبر دستور داده شد در آن مسجد حاضر نشود (لا تقم فیه) حتی اگر سوگند بخورند که هدفشان نیک بوده است باز هم دروغ می‌گویند و این یعنی اگر در واقع اراده و مقصدشان خیر بود پذیرفته بود؛ اما چون چنین نبود و هدف ناپاکی داشتند با وجود اینکه مسجد ساخته‌اند اما نه تنها کارشان باطل بود و ارزشی نداشت بلکه باتوجه به برخورد پیامبر ﷺ چنین مسجدی مستحق تخریب و سوزاندن است.

از میان روایات نیز یکی از روایات قابل استناد در اثبات نقش هدف روایت «انما الاعمال بالنیات» است، این روایت از روایات بسیار معتبر اهل سنت است (نووی، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۱۶) که در کتاب‌های معتبر حدیثی اهل سنت مثل صحیح بخاری، ۱۴۲۲ق، (ج ۱، ص ۲) و ... نقل شده است و در کتاب‌های فقهی برای اثبات وجوب نیت مورد استناد قرار

گرفته است (المزنی، ۱۴۱۰ق، ص ۲؛ الرافعی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۰؛ النووی، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ص ۳۳۴) و به تصریح فقیهان اهل سنت، دلیل اصلی وجوب نیت در عبادات است (الانصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳؛ الشربینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳؛ الشربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۴۷؛ الملیاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸) این روایت بنا به فهم فقیهان مذکور به روشنی قابلیت اثبات نقش هدف فاعل در حکم فقهی فعل مکلف را دارد.

حدیث بالا با ذکر سند از طرف امامیه از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب از پیامبر ﷺ نقل شده است (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۶؛ مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱۸) و در بیشتر موارد به شکل مرسل از پیامبر نقل شده است (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴؛ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸۳ و ص ۱۸۶).

این حدیث از نگاه اعتبار، جای تردید ندارد؛ زیرا هم در نزد اهل سنت از سند بسیار معتبر برخوردار است و هم از طرف امامیه، برای استناد فراوان به این حدیث از سوی فقیهان بزرگ (مغربی، بی تا، ج ۱، ص ۸۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۳؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۲؛ طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۱۶۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۰؛ علامه حلی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۴۵) دارای شهرت عملی آشکاری است.

توضیح دلالت حدیث این است که این روایت هم در نقل اهل سنت و هم نزد شیعه برای قرائن داخلی آن فقط مربوط به نیت عنوان فعل نیست بلکه مربوط به مقصود فاعل و هدف او از عمل است که شامل نیت اطاعت و تقرب هم می شود. متن حدیث در نقل اهل سنت در مورد اهداف هجرت و در نقل امامیه مربوط به شرکت در جهاد به منظور دستیابی به غنیمت ها است و معلوم است که این منظور غیر از نیت خود عمل است و هدف و غرض فاعل را بیان می کند و پیامبر وقتی از وجود این هدف در میان برخی از مسلمانان مطلع شد آن سخن شریف را فرمود.

فقیهان که در ابواب گوناگون فقهی قصد حرام را موجب حکم به حرمت دانسته اند

و در بیع و مکاسب، مقاصدی مثل تولید شراب، ساختن بت و هیاکل العبادۀ مثل صلیب، آلات لهو، آلات قمار و ... را موجب حکم به حرمت معامله دانسته‌اند (حلی مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۵؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ یزدی طباطبائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۷؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۵۹) جمع‌بندی این فتاوا این است نقش هدف و مقاصد افراد در تغییر حکم فقهی فعل مکلف مورد قبول فقیهان است. و برخی فقیهان که عبارت «النية مغيرة» را به کار برده‌اند (ابن المرتضی، ۱۲۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۵) منظورشان همین است.

مطالعه محتوای موضوع ناظر به اجزای تشکیل‌دهنده موضوع است و با شناخت عناصر تشکیل‌دهنده موضوع و شناسایی روابط میان آنها انجام می‌گیرد. این جهت در بیشتر موضوعات نوپدید که تولیدات بشری هستند به تناسب فعل مکلف در حوزه تولید و توزیع و مصرف دارای عناصر وجودی متفاوتی خواهد بود به همین دلیل عناصر تشکیل‌دهنده موضوع در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف مورد مطالعه می‌شود.

۳-۱. تحلیل لوازم و پیامدهای موضوع

آثار موضوعات جدید از ویژگی آنها و شناسه‌ای همراه موضوعات‌اند و از آنجا که موضوعات جدید با همان آثار مورد پرسش و مورد ابتلای مردمند، نمی‌توان در بیان حکم اولی آنها این آثار را نادیده گرفت؛ از این رو برای موضوع‌شناسی فقهی در مورد موضوعات جدید و نوپدید، شناخت آثار و لوازم آنها ضروری است. بررسی آثار و انواع لوازم و پیامدهای موضوع در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف در همه عرصه‌های ممکن، از قبیل تربیت و اخلاقی و بهداشت و سلامت و ... انجام می‌شود.

برخی از عناوین فقهی که بر موضوعات منطبق می‌شوند به اعتبار آثار و لوازم موضوعات است، به همین دلیل در مورد موضوعاتی که عنوان آنها در ادله احکام ذکر نشده است برای یافتن عناوینی که از نظر آثار و لوازم بر این موضوعات قابل انطباقند باید همه آثار متعارف آنها شناخته شوند.

با وجود اینکه در منابع فقهی به شکل مستقل در مورد آثار موضوعات و نقش آنها در حکم فقهی گفتگویی نشده است ولی در قواعد فقهی و احکام کلی زیادی، نظر به آثار موضوعات، شده است؛ مانند قاعده لاضرر (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۹۷؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۵۳؛ انصاری، ۱۴۱۴ق، صص ۱۰۹-۱۱۱؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۲۱۱-۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۳۱)، قاعده تسبیب (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۰۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۳۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۸؛ حسینی عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۴۸؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۶۵۸؛ حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۸۵؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۹۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۶۲) قاعده سبب الحرام حرام (نراقی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۹۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۱۴؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۳۵۷؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۷، ص ۴۶؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۱۷؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۰؛ حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۶۴؛ روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۸، ص ۳۴۸) و ابواب گوناگون فقه به تناسب گفتگوهای از نقش آثار در حکم فقهی مطرح شده است و فی الجمله بر اساس قواعد فقهی و اصولی، تأثیر آثار در حکم فقهی موضوعات قابل تردید نیست.

۲. تطبیق روش موضوع شناسی فقهی در شناخت فرقه ها و جریان های مهدویت

ظهور گروه های فکری و دینی با گرایش های گوناگون پیشینه ای دیرینه از ابتدای تولد اسلام دارد و با توجه به نوع گرایش ها و اندیشه های حاکم بر آنها پیوسته مسلمانان و حکومت های اسلامی در برخورد با آنها راه های متفاوتی را در پیش می گرفتند. امروزه با کثرت ظهور فرقه هایی که با شعارهای عرفانی و یا اعتقادی و با ظاهری غیر معاند با اسلام و شیعه موجب برخی تشکلهای و تحزبها شده و زمینه های اختلافها و گاهی سوء استفاده و انحراف های متنوعی می شوند که در این میان یکی از پرسش های مهم برای افراد و حکومت اسلامی پرسش از وظیفه شرعی در برابر این پدیده است.

منظور ما از فرقه، هر گروه تشکلی یافته فکری یا اعتقادی یا سیاسی است که با

اندیشه و اعتقاداتی غیر از اعتقادات روشن ادیان آسمانی و مذاهب اسلامی خود را در یک مرز متفاوتی از دین و مذهب رسمی قرار داده‌اند و به مناسبت همین فرق‌گذاری آنها و تشکیل گروه متفاوت، می‌توان واژه فرقه را در مورد آنها به کار برد.

فرقه در ادبیات رایج چه‌بسا دارای ارزش‌گذاری و بار منفی است اما با توجه به کاربرد این واژه در روایات و لغت می‌توان دریافت که به‌طور حتم در معنای فرقه بار منفی و تقابل با دین و مذهب نهفته نیست.

در بررسی فقهی فرقه‌ها به منظور یافتن احکام فقهی مربوط به آنها مشاهده می‌کنیم که فرقه‌ها در یک دسته‌بندی کلی بر اساس نسبت آنها با عناوین فقهی مثل کفر و شرک به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: یکی فرقه‌هایی که عنوان آن فرقه‌ها در منابع فقهی ذکر شده و یا به روشنی مصداق عناوین فقهی معینی مثل کفر و شرک می‌شوند و در نتیجه احکام شرعی آنها در منابع دینی مشخص شده است، دوم فرقه‌هایی که نامی از آنها در منابع نیامده و زیرعناوینی مثل کفر و شرک قرار نمی‌گیرند و یا انطباق این عناوین بر آنها به روشنی معلوم نیست.

دسته اول به‌طور عمده فقط با شناخت فرقه و بر اساس انطباق عناوین کفر و شرک بر آنها، حکم شرعی‌شان در فقه فردی و حکومتی معین می‌شود، برای این منظور به دست آوردن محتوای اعتقادی فرقه کفایت می‌کند.

اما دسته دوم که پس از بررسی محتوای اعتقادی فرقه و جریان فکری آن معلوم می‌شود، نیازمند موضوع‌شناسی چند وجهی است به گونه‌ای که افزون بر شناخت محتوای اعتقادی فرقه، نیازمند بررسی اهداف تشکیل فرقه و پیامدهای پیروی از آنها است تا معلوم شود کدام عناوین فقهی بر این فرقه‌ها قابل انطباق است تا حکم فردی و حکومتی آنها مشخص شود.

بررسی فقهی دسته دوم از فرقه‌ها متوقف بر شناسایی همه جانبه آنها است که در سه جانب اصلی خلاصه می‌شود: ۱. بررسی محتوایی فرقه از دید عناصر تشکیل‌دهنده آن، اندیشه‌ها و برنامه‌ها و فعالیت‌ها و ساختار سازمانی؛ ۲. بررسی از نگاه نقطه پیدایش و عوامل و اهداف و مقاصد تشکیل فرقه؛ ۳. پیامدها و آثار فردی و اجتماعی.

بر این اساس روشن است که موضوع‌شناسی فقهی این فرقه‌ها یک پژوهش گسترده میان رشته‌ای خواهد بود که حداقل باید از داده‌های دانش تاریخ و کلام و اخلاق و عرفان و نیز دانش اجتماعی و حتی روان‌شناسی و پزشکی بهره‌گیری کرد و با روشی که از نظر فقهی، معتبر و نتیجه‌بخش باشد به بررسی آنها پرداخت. آنچه فعلاً در این فرصت، مورد نظر است روش موضوع‌شناسی فقهی فرقه‌های دسته دوم است.

هر کدام از وجوه سه‌گانه مذکور به سبب تأثیر در حکم فقهی و تفاوت در تعیین وظیفه شرعی مورد توجه است که به انواع وظایف ملت و حکومت در برابر آن نیز می‌پردازد؛ به این معنی که تعیین می‌کند یک فرقه انحرافی، موضوع کدام یک از احکام شرعی است. در ادامه به تبیین روش موضوع‌شناسی فرقه‌ها بر اساس نمونه‌ی تحلیل سه وجهی می‌پردازیم:

۲-۱. بررسی محتوا و عناصر اصلی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت

یکی از محورهای اصلی برای شناخت احکام شرعی مربوط به فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدویت مانند هر موضوع فقهی دیگر، محتوای داخلی تشکیل‌دهنده آن است. در مطالعه فرقه‌ها به روشنی درمی‌یابیم که عناصر مادی و معنوی تشکیل‌دهنده هر فرقه شامل رهبران و گردانندگان - اندیشه و اعتقادات - برنامه‌های اجرایی و مناسک - هواداران و پیروان - ساختار تشکیلاتی درونی و وابستگی‌های سازمانی بیرونی است؛ در نتیجه برای موضوع‌شناسی فقهی باید همه این موارد مطالعه شود.

الف) رهبران و گردانندگان

شناسایی رهبران یک جریان برای جایگاه ویژه رهبری فرقه و جریان از مهم‌ترین راه‌های شناسایی یک جریان است؛ زیرا در بنای عقلا همواره سنجش اعتبار یک گروه یا جریان با شناخت رهبران آن گروه یا جریان گره خورده است.

اگر گردانندگان یک فرقه با جریان‌های ضد دینی و استعماری در ارتباطند احتمال حصول موضوع توطئه علیه نظام و تضعیف نظام خودنمایی می‌کند و قبل از اثبات آن

عنوان موضع تهمت است که در فقه فردی ارتباط با آن فرقه جایز نیست و در فقه حکومتی در موارد وجود احتمال توطئه و تضعیف نظام، برخورد امنیتی و رصد و پیگیری آن بر دستگاه‌های مربوط لازم است.

ب) محتوای اعتقادی و برنامه و مناسک

در بررسی محتوایی هر فرقه اولاً باید همه اعتقادات و اصول و فروع مهم و برنامه و روش هر فرقه شناسایی شود و ثانیاً از نظر سازگاری و ناسازگاری با اصول اسلامی و اصول مذهبی بررسی شود. طبیعی است که به تناسب سازگاری و ناسازگاری و شدت و ضعف آن، احکام فقهی مرتبط با آن معلوم می‌شود.

شناخت عقاید فرقه‌ها گاهی چندان پیچیده نیست زیرا خود مدعی مهدویت مثل احمد بصری با بیان عقاید و ادله خود آنها را عرضه می‌کند هر چند به دلایلی خویش را پنهان می‌کند ولی در مواردی هم مدعی مهدویت عقاید خود را به‌طور کامل بیان نکرده و به مرور زمان و به شکل پلکانی دست به ادعاهای بالاتر و ابراز عقاید خطرناک‌تر می‌زند که نمونه روشن آن را در فرقه بابیت مشاهده می‌کنیم.

نمونه عقاید منحرف در میان مدعیان مهدویت، فرقه شیخیه کرمان است که اصول دین را چهار اصل توحید، نبوت، امامت و رکن رابع می‌دانند و آن را واسطه میان مردم و امام زمان علیه السلام معرفی می‌کنند که در هر زمانی وجود دارد و به آن رکن رابع می‌گویند (مشکور، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹؛ فرمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲). به گفته برخی پژوهش‌گران مهم‌ترین تأثیر در شکل‌گیری فرقه بابیه، نظریه رکن رابع شیخیه کرمان بوده است که علی‌محمد باب رئیس فرقه بابیه در ابتدا پیرو فرقه شیخیه بود و خود را رکن رابع می‌نامید و از همین نظریه به ادعاهای دیگری رسید (باقری، ۱۳۹۱) شناخت این اندیشه که بر خلاف عقاید شیعه امامیه است و دارای محتوای کذب و دروغین و در نتیجه مبتلا به نشر اکاذیب است، موجب برخورد حکومتی با آن و حکم به دوری شیعیان از آن و جلوگیری از ترویج آن است.

نمونه دیگر احمد بن اسماعیل بصری است. به گفته کسانی که به بررسی عقاید او پرداخته‌اند، این فرد که مدعی فرزندی امام زمان علیه السلام است خود را وصی امام زمان علیه السلام معرفی می‌کند که رسول و زمینه‌ساز ظهور است و پس از آن حضرت به حکومت و خلافت خواهد رسید. پیروان این شخص ادعا دارند تمام بیانات و ادله او برگرفته از علم الهی بوده و قابل نقد نیست (یوسفیان، ۱۳۹۲ ص ۵۹). ولی ضمن اینکه ادله روایی او بررسی و نقد شده است (حیدری ال کثیری، ۱۳۹۰، صص ۱۷۵-۲۰۹؛ پورسیدآقای، سیدمسعود، ۱۳۹۶، صص ۵-۲۴). برخی به این نظر رسیده‌اند این فرد با تمسک به روایات غیرمستند، بهره‌گیری از منابع غیرعلمی، تقطیع روایات و تحریف معنا و دلالت آنها، قصد فریب مخاطبان خود را داشته است (یوسفیان، ۱۳۹۲ ص ۵۹) و توسط استعمار مطرح شده است (حیدری ال کثیری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). وقتی این امور با اعلان نامشروع بودن همه حکومت‌های معاصر همراه می‌شود زمینه مقابله با نظام را فراهم کرده و در شمار گروه معاند نظام می‌شود.

اگر معلوم شود برخی گروه‌ها با ادعاهایی مثل ارتباط با امام زمان و اخذ دستور بلاواسطه از آن حضرت دست به جذب افراد و تشکیل اجتماع و فرقه می‌زنند که با توجه به مخالفت این ادعاها با عقیده به انکار ارتباط امام زمان با اشخاص در زمان غیبت، می‌توان به انحرافی بودن آنها پی برد و بر این اساس موضوعی برای بررسی فقهی خواهد بود و آن بررسی کذب و فریب افکار عمومی که بنا به شرایط افراد ادعا کننده دارای احکام متفاوت است.

باید توجه داشت که بررسی عقاید انحرافی فرقه و جریان‌های مهدویت در مواردی مشکل است؛ زیرا گاهی رهبران فرقه‌ها با استفاده از تأویل کتاب و سنت، آیات و روایاتی را به نفع خود تأویل می‌کنند و افراد کم دانش را فریب می‌دهند. به همین دلیل برخی معتقدند بهره‌گیری از «تأویل»، از بارزترین شگردهای جریان‌های انحرافی در موضوع مهدویت است؛ چرا که تأویل راه سوء استفاده از نصوص دینی را به منظور توجیه عقاید فرقه‌ای برای آنها می‌گشاید؛ به نحوی که می‌توانند خود را برای دین‌باوران تزئین کنند و مشروعیت خویش را به دیگران بنمایانند (فلاح علی‌آباد، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶)؛

بنابراین برای شناخت انحرافی بودن عقاید فرقه‌های مهدوی شناخت سطحی از مهدویت کافی نیست.

ج) هوادان و پیروان و وابستگی تشکیلاتی

شناسایی پیروان و هواداران و چگونگی ارتباط رهبران و اعضای جریان مهدوی تأثیر روشنی در شناخت ماهیت فرقه و وجود انحراف و میزان آن دارد. گاهی نوع ارتباط اعضا با رهبران یک جریان به روشنی برای شناخت انحراف آن و شناخت عناوین فقهی منطبق بر آن کافی است؛ اما در موارد بسیاری با توجه به تلاش رهبران بر پوشیدگی اهداف خود، افزون بر دوری از ادعاهای مشکل‌ساز در شروع تشکیل فرقه، دست به پنهان‌سازی وابستگی تشکیلاتی می‌زنند. که در این موارد راه‌ها و مراحل دیگر موضوع‌شناسی می‌تواند راه‌گشا باشد.

۲-۲. بررسی اهداف و عوامل پیدایش فرقه

با توجه به تأثیر هدف و نیت فعل انسان در حکم فقهی فعل مکلف، باید گفت تشکیل فرقه‌های دینی و سیاسی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند و بلکه به‌طور قطع اهمیت یک فرقه دینی یا مذهبی منحرف در نظر حاکم اسلامی و هر فرد مسلمان، کمتر از مسجد ضرار نیست و وجود انحراف در مقاصد کسانی که به وجود آوردندگان آن هستند به مراتب بیشتر از ساختن آن مسجد خطر آفرین است. بر این اساس می‌توان دریافت که در شناخت حکم فقهی برای مواجهه با هر فرقه‌ای نمی‌توان از بررسی اهداف و مقاصد اولیه در پیدایش آن فرقه غفلت کرد.

با توجه به اینکه فرقه‌ها از اهداف تشکیل خود جدا نیستند نمی‌توان فرقه را بدون توجه به اهداف تشکیل آن مورد حکم اولی دانست و با توجه به اهداف آن، حکم ثانوی برای آن تعیین کرد، بلکه برای هر فرقه به‌طور مشخص با توجه به اهداف تشکیل آن باید حکم اولی استنباط کرد.

الف) اهداف رهبران و گردانندگان فرقه‌ها و جریان‌های مهدویت

با توجه به جدیت و گاهی صرف هزینه‌های کلان از سوی رهبران و گردانندگان یک فرقه می‌توان دریافت که آنها در پی اهداف مهمی هستند. با بررسی‌های تاریخی و بررسی نشانه‌های موجود در مدیریت و تبلیغ برخی فرقه‌ها شاید بتوان برخی از فرقه‌ها را تحلیل مقاصدی کرد در نتیجه بر اساس شناخت مقاصد آن فرقه، تطبیق عناوین و موضوعات فقهی متعددی قابل بررسی خواهد بود که در موارد شناخت انحراف آنها، این عناوین شامل مفاسدی مثل هدف براندازی حکومت اسلامی تا هدف تضعیف برخی گروه‌های مذهبی فعال و نهادهای حکومتی و ... خواهد بود.

گاهی مدعیان مهدویت یا نیابت با هدف تقویت و کسب سرمایه اجتماعی دست به ادعای دروغین می‌زدند و این هدف از صدر اسلام مورد توجه مدعیان بوده است. چنانچه گفته شده پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و مرگ یزید و کناره‌گیری فرزندان معاویه بن یزید از خلافت، اوضاع جهان اسلام دچار بحران گشت و در میان سالهای ۶۵ تا ۷۰، مختار بن ابی عبیده ثقفی از شرایط به وجود آمده بهره‌برداری کامل کرد و به نیابت از محمد بن حنفیه و با هدف انتقام خون شهدای کربلا در کوفه قیام کرد و لفظ مهدی را برای محمد بن حنفیه به کار برد (صمصامی، ۱۳۸۷، ص ۲۵) در قرن‌های واپسین، اهداف سیاسی و توطئه انحراف مذهبی توسط حکومت‌های معارض جهانی شکل پیچیده و بین‌المللی گرفته است و به گفته برخی با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، که بر اساس آموزه‌های دینی استقرار یافت، حساسیت دشمنان را بیش از پیش برانگیخت؛ در نتیجه درصدد برآمدند، با نفوذ در میان گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی و یا حتی تأسیس فرقه‌های منحرف مذهبی در راستای اهداف خود، نظام دینی انقلاب اسلامی را با جدال و حتی با تهدید امنیتی - سیاسی مواجه سازند (بابانصب، شون‌آذری، ۱۳۹۹) این رویه امروزه با حمایت از مدعیان در قالب‌های به ظاهر انسان‌دوستانه دنبال می‌شود.

بر اساس برخی پژوهش‌ها، بعضی از مدعیان مهدویت، در راستای انحراف افراد و

جوامع، و مقابله با مسیر هدایت، مراکز فکری و هدایت‌گری جامعه (علماء) را مورد هجمه قرار می‌دهند و به منظور منع تحقق هدایت‌گری، کوشش در ایجاد فاصله میان عموم مردم و علماء دارند و حذف روحانیت را، در دستور کار خود قرار می‌دهند (جعفری، ۱۳۹۸ ص ۵).

ب) اهداف حمایت‌کنندگان و هواداران

آگاهی از تاریخ شکل‌گیری برخی فرقه‌ها و حمایت‌گران آن راهی نمی‌گذارد تا مقاصد شوم استعمار در ایجاد برخی فرقه‌ها را انکار کرد. بر این اساس در موضوع‌شناسی فرقه‌ها نمی‌توان از بررسی اهداف حمایت‌گران غفلت کرد. به‌طور مثال برخی از نویسندگان با تحلیل حمایت‌های استعمارگران از انحرافات مذهبی چنین دریافته‌اند که جریان‌هایی مانند «مستر همفر» جاسوس وزارت مستعمرات بریتانیا در ممالک اسلامی و «کینیا دالگوررکی» مأمور امپراطوری تزار روسیه برای ایجاد فرقه‌های جدید مذهبی در عهد قاجار، تنها نمونه‌های آشکار هزینه‌کرده‌های قدرت‌های استعماری بر ضد بلاد اسلامی بوده‌اند.

براساس برخی مطالعات فرقه‌شناسی، رد پای استعمار در سرزمین‌های اسلامی را می‌توان در قامت «وهاییت» در جزیره العرب، «باییت» و «بهاییت» در ایران و «آقاخان» و «قادیانیه» در پاکستان، پیگیری کرد. هدف استعمار از معرفی امام زمانی بدلی و منجی غیر واقعی این است که مردم را از نزدیکی و پیروی از امام زمان حقیقی به دور دارند (مجاهدان، ۱۳۸۷). همانطور که فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان که در پوشش معنویت‌گرایی در بخشی از منطقه حساس نفتی ایران سر برآورد، از جمله ترفندهای دولت استعمارگر انگلستان در فرقه‌سازی معرفی شده است (محمودی، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

در همه این موارد برای رسیدن به حکم فقهی، بررسی اهداف با میزان اعتبار فقهی لازم است. اما باید توجه داشت، با وجود اینکه در بررسی اهداف فرقه نمی‌توان به

منابع غیرمعتبر و ادعاهای افراد اکتفا کرد ولی در زمان کنونی روشن و مشهود است که فرقه‌هایی از شیعه توسط انگلیس حمایت و پشتیبانی می‌شود که به‌طور یقین با شناخت دولت و سیاست‌های انگلیس می‌توان دریافت که اهداف نادرستی در پس این حمایت‌ها نهفته است، به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد برخی گروه‌های فعال شیعه در انگلیس گفتند: «تشیعی که بر پایه‌ی ایجاد اختلاف و صاف کردن جاذبه برای حضور دشمن‌های اسلام است این، تشیع نیست؛ این انحراف است»^۱.

به هر روی شناخت اهداف فرقه‌ها و مدعیان مهدویت و حامیان آنها، می‌تواند عناوین فقهی مناسب با آنها را آشکار کند و در نتیجه حکم شرعی و حکم حکومتی مربوط به آنها آشکار می‌شود.

۲-۳. بررسی آثار و پیامدهای وجود فرقه

هر فرقه‌ای گذشته از اهداف و محتوا، دارای جهت دیگری است که در حکم شرعی مواجهه با آن تأثیرگذار است و آن آثار و لوازم و پیامدهای آن است. به‌طور مثال شاید بتوان گفت برخی از فرقه‌ها و مکاتب و حتی حزب‌های سیاسی با وجود اینکه از نظر اهداف و محتوا بر خلاف اصول دین و مذهب نیستند اما در صورتی که موجب اختلاف در صفوف مسلمانان شده و زمینه تضعیف و دو دستگی و سستی در برابر دشمن را فراهم آورد بر حاکم اسلامی واجب است که از آن جلوگیری کند و بر مردم هم لازم است که از گرایش به آنها دوری کنند.

نتیجه برخی پژوهش‌ها خبر از آن می‌دهد که طی سال‌های اخیر، رویدادهایی با حضور برخی فرقه‌های انحرافی در جهت‌دهی به تنش‌ها و آشوب‌های اجتماعی، بازتاب نگران‌کننده‌ای در جامعه و نظام اجتماعی به وجود آورده است (فاطمی‌نسب و قلاتی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰) و نیز مطابق برخی پژوهش‌ها در زمان حاضر، شخصی با عنوان «علامه

1. <https://khl.ink/f/30524>

منصور هاشمی خراسانی» خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی علیه السلام معرفی کرده و با شعار «بازگشت به اسلام» و با باطل و طاغوت شمردن حکومت‌های فعلی و مانع ظهور دانستن آنها، مردم را به روی گردانی از این حکومت‌ها فراخوانده و هر کس را که با وی مخالفت کند مانع ظهور محسوب کرده و اعلام می‌کند در صورت تمکن، آنها را از سر راه برخواهد داشت (ملاشاهی، ۱۴۰۱، ص ۲۶۸) اثر مخرب این نوع ادعاها در برهم زدن نظم عمومی و ایجاد جدال در امنیت جامعه نیازی بیان ندارد.

نمونه دیگر فرقه «انصار المهدی» پیروان احمد الحسن است که با ظاهری منطبق با برخی اعتقادات و روایات شیعه ظهور پیدا کرده است. احمد الحسن خود را فرزند امام زمان و مهدی اول پس از او می‌خواند که حکومت را از امام زمان تحویل خواهد گرفت و هر نوع تشکیل حکومت قبل از ظهور امام زمان را نادرست می‌داند (یوسفیان، ۱۳۹۲ ص ۵۹). که ناگفته آثار مخرب این عقیده در میان شیعیان معلوم است. ترویج خرافه و توهین و وهن دین و ایجاد تفرقه در صفوف مومنین از عناوین محرماتی است که در آثار و پیامدهای برخی از فرقه‌های شیعه که امروزه مطرح شده‌اند وجود دارد.

بر این اساس فرقه‌هایی که با هدف آماده‌سازی برای ظهور و حتی محتوایی سازگار با مذهب شیعه ساماندهی شده‌اند با توجه به برخی سوءاستفاده‌هایی که سردمداران این فرقه‌ها مرتکب می‌شوند و گاهی موجب تفرقه‌هایی می‌شوند که آثار و پیامدهای پرهزینه برای کشور اسلامی و یا جهان اسلام دارد، حاکم اسلامی وظیفه دارد با شکل‌گیری آنها مقابله کند.

نتیجه‌گیری

روش تحلیل جامع سه بعدی در موضوع‌شناسی فقهی در مورد فرقه‌ها و جریان‌های مهدویت نیز قابل تطبیق است و بر اساس آن در بررسی سه بعدی فرقه‌ها دستیابی به موارد قابل انطباق بر عناوین فقهی فراوانی میسر می‌شود.

در بررسی هر فرقه و جریان مهدوی ابتدا باید با بررسی اجمالی فرقه معلوم شود آیا از فرقه‌های منصوص است یا نیست و در صورت نبود انطباق فرقه‌های مذکور در منابع

دینی بر آن، به بررسی آن به روش تحلیل جامع سه بعدی پرداخته شود. در بررسی فرقه و جریان مهدوی نوظهور باید از نظر محتوای آن، شخصیت رهبران و عقاید و برنامه‌ها و شناخت پیروان و رابطه تشکیلاتی آنها با رهبران فرقه بررسی شود. و می‌توان از آن راه وظیفه فقهی افراد و حکومت را به دست آورد. هر کدام از کشف اهداف گردانندگان فرقه و یا شناخت محتوا و یا رصد کردن آثار فرقه برای کشف حکم فقهی کافی است و در مواردی همه ابعاد سه گانه در جهت واحدی قرار گرفته و به روشنی حکم فقهی یک فرقه آشکار می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۲۹ق). أجوبة مسائل و رسائل في مختلف فنون المعرفة (چاپ اول). قم: انتشارات دلیل ما.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى (ج ۱، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن المرتضی، احمد. (۱۲۰۷م). شرح متن الازهار (ج ۱ و ۴). قم: مؤسسه الامام زید بن علی.
۴. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی. (۱۳۶۹ق). متشابه القرآن و مختلفه (ج ۲، چاپ اول). قم: دار البیدار للنشر.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان (ج ۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. الأنصاري، زكريا. (۱۴۱۸ق). فتح الوهاب (چاپ اول). بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الكتب العلمية.
۸. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۱۳ق). اللمعات النيرة في شرح تكملة التبصرة. (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایه الاصول (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۱۰. آملی، میرزا محمد تقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى (ج ۷، چاپ اول). تهران: مؤلف.
۱۱. باباناسب، حیدر؛ شوند آذری، سعید. (۱۳۹۹). فرقه‌ها و فرقه‌گرایی‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول، <https://civilica.com/doc>

۱۲. باقری، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). جستاری در نقد باییت با تأکید بر نقد آموزه رکن رابع در اندیشه شیخیه. مجله معرفت ادیان، ۳(۱۱)، صص ۸۷-۱۰۴.
۱۳. بجنوردی، حسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهية (ج ۱، چاپ اول). قم: نشر الهادی.
۱۴. بحرانی، آل عصفور؛ یوسف بن احمد، بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (ج ۱۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. بخاری، محمد؛ بن إسماعیل، أبو عبدالله؛ البخاري، الجعفي. (۱۴۲۲ق). صحيح البخاري (الطبعة الأولى). بيروت: دار طوق النجاة.
۱۶. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۷ق). حاشية مجمع الفائدة و البرهان (چاپ اول). قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهاني.
۱۷. البهوتي، منصور بن يونس. (۱۴۱۸ق). كشف القناع (ج ۲، چاپ اول). بيروت: منشورات محمد علی بیضون-دار الكتب العلمية.
۱۸. پورسیدآقای، سیدمسعود؛ رضایی، حسین. (۱۳۹۶). حاکمیت پس از حضرت مهدی (عج) از منظر روایات شیعه. مجله: پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۳، صص ۵-۲۴.
۱۹. جعفری، محمدصابر. (۱۳۹۸). حذف عالمان دین راهبرد مشترک فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت. فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ۸(۲۹)، صص ۵-۲۵.
۲۰. حسینی حائری، سید کاظم. (۱۴۲۳ق). فقه العقود (ج ۱، چاپ دوم). قم: مجمع اندیشه اسلامی.
۲۱. حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد. (۱۴۱۶ق). كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد (ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. حسینی مراغی، عبد الفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوين الفقهية (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. الحطاب الرعيني. (۱۴۱۶ق). مواهب الجليل (ج ۳، چاپ اول). بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۴. حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی. (۱۴۰۷ق). المذهب البارع في شرح المختصر النافع (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۵. حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن. (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقہ آل یاسین (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسہ امام صادق علیہ السلام.
۲۶. حلی، مقداد بن عبد اللہ سیوری. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع (ج ۱ و ۲ و ۴، چاپ اول). قم: انتشارات کتاب خانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ.
۲۷. حیدری ال کثیری، محسن؛ حیدری چراتی، حجت. (۱۳۹۰). بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمد الحسن). مجله انتظار موعود، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۱۷۵ - ۲۰۹.
۲۸. خمینی، روح اللہ. (۱۳۹۲). المكاسب المحرمة (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني رحمۃ اللہ علیہ.
۲۹. خمینی، روح اللہ. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۵، چاپ اول). تهران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۶ق). مصباح الفقاهة (المکاسب) (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسہ إحياء آثار الأمام الخويي رحمۃ اللہ علیہ.
۳۱. الرافعي، عبد الكريم. (بی تا). فتح العزيز بشرح الوجيز = الشرح الكبير للرافعي (ج ۱). بیروت: دار الفكر.
۳۲. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبد اللہ. (۱۴۰۵ق). فقہ القرآن (ج ۱، چاپ دوم). قم: انتشارات کتاب خانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ.
۳۳. روحانی، محمد صادق. (۱۴۳۵ق). فقہ الصادق علیہ السلام (ج ۸، چاپ پنجم). قم: آیین دانش.
۳۴. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن. (۱۴۲۳ق). کفایۃ الأحکام (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۳۵. السرخسي، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط (ج ۲۴). بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۶. الشریینی، محمد بن أحمد. (بی تا). الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع (ج ۱). بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.

۳۷. الشربینی، محمد بن أحمد. (۱۳۷۷ق). مغنی المحتاج (ج ۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۱۵ق). الانتصار في انفرادات الإمامیة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۳۹. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات (چاپ اول). تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۱ و ۳ و ۱۲، چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۴ق). حاشیه الارشاد (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۱ق). رسائل الشهيد الثاني (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۳. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۳ق) أحكام الخلل في الصلاة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴۴. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۴ق). رسائل الفقهیه (قاعده لاضرر) (چاپ اول). قم: مجمع الفكر الاسلامي.
۴۵. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ط - الحديثه) (ج ۱، چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴۶. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۲۸ق). فرائد الاصول (ج ۱، چاپ نهم). قم: مجمع الفكر الاسلامي.
۴۷. شیخ طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۸. شیخ طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالي (چاپ اول). قم: دار الثقافة.
۴۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی. (۱۴۱۳ق). المسائل الصاغانية (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۵۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الأصول و الفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۵۱. صمصامی، محمد مهدی. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه ها و عوامل پیدایش مدعیان، مجله مطالعات مهدوی پاییز ۱۳۸۷ شماره ۲، صص ۲۵ - ۳۹.
۵۲. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۴۰۹ق). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۵۳. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۴. طبرسی، امین الاسلام، فضل بن حسن. (۱۴۱۰ق). المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف (ج ۱، چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵۵. عبدالله بن قدامه. (۱۳۸۸ق). المغنی (ج ۴). مصر: مکتبه القاهرة.
۵۶. عبدالرحمن بن قدامه. (بی تا). الشرح الکبیر (ج ۴). بیروت: دار الکتاب العربی للنشر والتوزیع.
۵۷. عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکات ها (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثه) (ج ۱، چاپ اول). قم: ناشر: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰ق). ارشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۰۱ق). أجوبة المسائل المهنائية (چاپ اول). قم: چاپخانه خیام.
۶۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۳۸۸ق). تذکرة الفقهاء (ط - القدیمة)، (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۶۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمين في أحكام الدين (چاپ اول). تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب في تحقیق المذهب (ج ۱ و ۲، فقه امامیه، چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۶۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء (ط - الحديثه) (ج ۱ و ۷ و ۱۲، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۹ق). نهاية الإحكام في معرفة الأحكام (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۶. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. (۱۴۱۷ق). كشف الرموز في شرح مختصر النافع (ج ۲، چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۷. فاطمی نسب، علی؛ قلانی، نسرین. (۱۳۹۸). بررسی دلایل و میزان گرایش به فرقه‌های انحرافی و نقش آن در امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: فرقه ضاله بهائیت. مجله سیاست دفاعی، ۲۸(۱۰۹)، صص ۱۴۰ - ۱۶۸.
۶۸. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد (ج ۱ و ۴، چاپ اول). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶۹. فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۹). آشنایی با فرق تشیع (چاپ دوم). قم: نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۷۰. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی. (۱۴۱۸ق). الدر المنضود في معرفة صیغ النیات و الإیقاعات و العقود (چاپ اول). قم: مكتبة إمام العصر علیه السلام العلمية.
۷۱. فلاح علی آباد، محمد علی. (۱۳۹۵). بررسی و نقد شاخصه‌های تأویل گرایی در جریان‌های انحرافی مهدویت. نشریه انتظار موعود، ۱۶(۵۵)، صص ۱۰۱-۱۲۶.
۷۲. مجاهدیان، سید مجتبی. (۱۳۸۷). بازخوانی پرونده متمه‌دین. مجله معارف، ش ۵۹.
۷۳. محقق حلی، نجم‌الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). المختصر النافع في فقه الإمامية (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه المطبوعات الدينية.

۷۴. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتر فی شرح المختصر (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه‌السلام.
۷۵. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷۶. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۱ و ۴ و ۶، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیه‌السلام.
۷۷. محمودی، پیمان. (۱۳۹۷). نقش انگلستان در فرقه‌سازی‌های معاصر ایران؛ یا تأکید بر فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان در پهلوی دوم. مجله پانزده خرداد، شماره ۵۷، صص ۳۹ - ۶۲.
۷۸. المزنی ابوابراهیم، إسماعیل. (۱۴۱۰ق). مختصر المزنی. بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
۷۹. مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۲). فرهنگ فرق اسلامی (چاپ دوم). مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۸۰. مغربی، ابوحنیفه؛ نعمان بن محمد تمیمی. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیه‌السلام.
۸۱. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. (بی‌تا). تأویل الدعائم (ج ۱، چاپ اول). مصر: دارالمعارف قاهره.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح (ج ۱ و ۵، چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
۸۳. ملاشاهی، فاطمه؛ الهی‌نژاد، حسین و جاودان، محمد. (۱۴۰۱). بررسی ادعاهای منصور هاشمی خراسانی در زمینه‌سازی ظهور. مجله شیعه‌پژوهی، ۹(۲۳)، صص ۲۶۸ - ۲۸۹.
۸۴. الملیاری الهندی. (۱۴۱۸ق). فتح المعین (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۸۵. موسوی قزوینی، علی. (۱۴۲۴ق). ینایع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۸۶. نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲۲ و ۲۹، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۷. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ ق). مستند الشیعة فی احکام الشریعه (ج ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۸۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۲۲ ق). رسائل و مسائل (ج ۱، چاپ اول). قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.
۸۹. النووی، محیی الدین. (۱۴۱۲ ق). روضة الطالبین (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹۰. النووی، محیی الدین. (۱۳۴۴ ق). المجموع (ج ۱). بیروت: دار الفکر.
۹۱. همدانی، آقارضا بن محمد هادی. (۱۴۱۶ ق). مصباح الفقیه (ج ۱۰، چاپ اول). قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.
۹۲. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی. (۱۴۲۱ ق). حاشیه المکاسب (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹۳. یوسفیان، مهدی؛ شهبازیان، محمد. (۱۳۹۲). بررسی برخی ادله روایی احمد بصری، یمانی دروغین، مشرق موعود، ۷(۲۷)، صص ۵۹-۸۲.

References

1. Abdallah bin Qudamah. (2009). *Al-Mughni* (Vol. 4). Cairo: Al-Maktabah al-Kahirah. [In Arabic]
2. Abdulrahman bin Qudamah. (n.d.). *Al-Sharh al-Kabir* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi li-l-Nashr wa-l-Tawzi'.
3. Akhund Khorasani, M. (1989). *Kifayat al-Usul* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
4. Akhund Khorasani, M. H. (1993). *Al-Lum'at al-Nayyirah fi Sharh Takmilat al-Tabsirah* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
5. Al-Ansari, Z. (1998). *Fath al-Wahhab* (1st ed.). Beirut: Muhammad Ali Baydoun Publications, Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
6. Al-Buhuti, M. Y. (1998). *Kashshaf al-Qina'* (Vol. 2, 1st ed.). Beirut: Muhammad Ali Baydoun Publications - Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
7. Al-Hattab al-Ra'ini. (1996). *Mawahib al-Jalil* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
8. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1982). *Ojubah al-Masail al-Muhammā'iyyah* (1st ed.). Qom: Khayyam Press. [In Persian]
9. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1991). *Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Seminary Publications. [In Arabic]
10. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1992). *Tafsira al-Muta'alamīn fi Ahkam al-Din* (1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. [In Persian]
11. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1993). *Muntaha al-Matlub fi Tahqiq al-Madhab* (Vols. 1 & 2, Imamiyya Jurisprudence, 1st ed.). Mashhad: Islamic Research Center. [In Arabic]
12. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1995). *Tadhkirat al-Fuqaha' (Modern ed.)* (Vols. 1, 7, & 12, 1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]
13. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (1999). *Nihayat al-Ahkam fi Ma'rifat al-Ahkam* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]

14. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (2000). *Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah 'ala Madhhab al-Imamiyyah* (Modern ed., Vol. 1, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
15. Allama Hilli, H. B. Y. M. A. (2009). *Tadhkirat al-Fuqaha' (Old ed.)* (1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]
16. Al-Malibari al-Hindi. (1998). *Fath al-Mu'in* (Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr li al-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi'. [In Arabic]
17. Al-Muzani, I. bin I. (1990). *Al-Mukhtasar al-Muzani*. Beirut: Dar al-Ma'rifa li al-Tiba'a wa al-Nashr. [In Arabic]
18. Al-Rafi'i, A. (n.d.). *Fath al-'Aziz bi-Sharh al-Wajiz = Al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr.
19. Al-Saduq, M. A. B. Q. (1997). *Al-Hidayah fi al-Usul wa al-Furu'* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
20. Al-Sarakhsi, M. A. (1993). *Al-Mabsut* (Vol. 24). Beirut: Dar al-Ma'rifah for Printing and Publishing. [In Arabic]
21. Al-Sharif al-Murtada, A. H. M. (1994). *Al-Intisar fi Infiradat al-Imamiyah* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
22. Al-Sharif al-Murtada, A. H. M. (1996). *Al-Masa'il al-Nasiriyah* (1st ed.). Tehran: Islamic Culture and Relations Organization. [In Arabic]
23. Al-Shirbini, M. A. (1957). *Mughni al-Muhtaj* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
24. Al-Shirbini, M. A. (n.d.). *Al-Iqna' fi Hall Alfaz Abi Shuja'* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifah for Printing and Publishing.
25. Amuli, M. T. (1960). *Misbah al-Huda fi Sharh al-Urwat al-Wuthqa* (Vol. 7, 1st ed.). Tehran: Mo'alef. [In Arabic]
26. Ardabili, A. M. (1983). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
27. Arizi, A. B. J. (1989). *Masail Ali bin Ja'far wa Mustadrakat-ha* (1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]

28. Babanasab, H., & Shundazari, S. (2020). *Sectarianism and sectarianism in Iran after the Islamic Revolution*, Fourth International Conference on Political Science, International Relations and Transformation. From: <https://civilica.com/doc> [In Persian]
29. Bagheri, A. A. (2012). A study of the critique of Babism with emphasis on the critique of the concept of the Fourth Pillar in Shaykhiyya thought. *Journal of Religious Knowledge*, 3(11), 87-104. [In Persian]
30. Bahrani, Y. A. (1985). *Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-Itrat al-Tahirah* (Vol. 18, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
31. Behbahani, M. B. (1997). *Hashiyat Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan* (1st ed.). Qom: Al-Mujaddid Al-Wahid Al-Behbahani Institute. [In Arabic]
32. Bojnourdi, H. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyah* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Al-Hadi Publications. [In Arabic]
33. Bukhari, M. I. (2001). *Sahih al-Bukhari* (1st ed.). Beirut: Dar Tawq al-Najat. [In Arabic]
34. Fadhil Abi, H. (1998). *Kashf al-Rumuz fi Sharh Mukhtasar al-Nafi* (Vol. 2, 3rd ed.). Qom: Islamic Seminary Publications. [In Persian]
35. Fakhr al-Muhaqqiqin Hilli, M. B. H. B. Y. (2008). *Izhāh al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id* (Vols. 1 & 4, 1st ed.). Qom: Ismailian Publications. [In Arabic]
36. Falah Aliabad, M. A. (2016). Examination and Critique of the Features of Interpretivism in Deviant Mahdism Movements. *Intizar-i Mawud*, 16(55), 101–126. [In Persian]
37. Faq'ani, A. (1999). *Al-Durr al-Mandud fi Ma'rifat Sighat al-Niyat wa-l-Iqaat wa-l-Uqud* (1st ed.). Qom: Imam al-Asr Scientific Library. [In Arabic]
38. Farmanian, M. (2010). *An introduction to Shia sects*. (2nd ed.). Qom: Seminary Management Center Publications. [In Persian]

39. Fatemi Nasab, A.; Qalani, N. (2019). *Bersari Dalil-ha wa Mizān Giraish be Farqah-ha-ye Inhirafi wa Naqsh-e ān dar Amniyat-e Ejtemā'i (Case Study: The Baha'i Heretical Sect)*. *Defence Policy Journal*, 28(109), 140-168. [In Persian]
40. Hamadani, A. R. H. (1997). *Misbah al-Faqih* (Vol. 10, 1st ed.). Qom: Ja'afari Institute for Reviving Heritage and Islamic Publishing. [In Arabic]
41. Helli, A. M. A. (1986). *Al-Muhadhdhab al-Bari' fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
42. Helli, M. A. S. (1983). *Al-Tanqih al-Ra'i' li-Mukhtasar al-Shara'i'* (Vols. 1, 2 & 4, 1st ed.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
43. Helli, M. M. S. (2003). *Ma'alim al-Din fi Fiqh Aal Yasin* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
44. Heydari Al-Kathiri, M., & Heydari Chirati, H. (2011). Examining the new movement of Yamani claimant (Ahmad al-Hasan). *Muntadhar Mawdood Journal*, 34-35, 175-209. [In Persian]
45. Hosseini 'Amidi, S. A. (1996). *Kanz al-Fawa'id fi Hall Mushkilat al-Qawa'id* (Vol. 3). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
46. Hosseini Ha'eri, S. K. (2002). *Fiqh al-'Uqud* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
47. Hosseini Maraghi, A. F. (1997). *Al-'Unwan al-Fiqhiyyah* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
48. Ibn al-Murtada, A. (1207). *Sharh Matn al-Azhari* (Vols. 1 & 4). Qom: Imam Zaid ibn Ali Institute. [In Arabic]
49. Ibn Idris Hilli, M. M. (1990). *Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]

50. Ibn Idris Hilli, M. M. (2008). *Ajwibat Masa'il wa Rasa'il fi Mukhtalif Funun al-Ma'rifah* (1st ed.). Qom: Dalil Ma Publications. [In Arabic]
51. Ibn Shahrashub Mazandarani, R. M. (1949). *Mutashabih al-Qur'an wa Mukhtalafuhu* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Dar al-Bidar for Publication. [In Arabic]
52. Ibn Zuhra Halabi, H. A. (1997). *Ghuniyat al-Nuzu' ila 'Ilmay al-Usul wa al-Furu'* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
53. Ja'fari, M. S. (2019). The elimination of religious scholars: A common strategy of deviant sects and false claimants of Mahdism. *Journal of Mahdavi Studies*, 8(29), 5-25. [In Persian]
54. Khoei, S. A. (2005). *Misbah al-Fiqhah (al-Makasib)* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Imam Khoei's Works Revival Foundation. [In Arabic]
55. Khomeini, R. (2000). *Kitab al-Bay'ah* (Vol. 5, 1st ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
56. Khomeini, R. (2013). *Al-Makasib al-Muharramah* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
57. Maghribi, Abu Hanifa; Nu'man bin Muhammad Tamimi. (2006). *Da'aim al-Islam* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Mu'assasat al-Ahl al-Bayt. [In Arabic]
58. Maghribi, Abu Hanifa; Nu'man bin Muhammad Tamimi. (n.d.). *Ta'wil al-Da'aim* (Vol. 1, 1st ed.). Cairo: Dar al-Ma'arif.
59. Mahmoudi, P. (2018). The role of England in the contemporary sectarian movements in Iran: Emphasis on the political-religious sect of the Tulouyan during the Pahlavi era. *15 Khordad Journal*, 57, 39-62. [In Persian]
60. Makarem Shirazi, N. (2003). *Kitab al-Nikah* (Vol. 1 & 5, 1st ed.). Qom: Imam Ali bin Abi Talib School Publications. [In Arabic]
61. Malashahi, F., Elahi Nejad, H., & Javadan, M. (2022). A review of the claims of Mansour Hashemi Khorasani in the preparation for the appearance. *Shi'ah Studies Journal*, 9(23), 268-289. [In Persian]
62. Mashkur, M. J. (1993). *The Encyclopedia of Islamic Sects* (2nd ed.). Mashhad: Astane Qods Razavi Publications. [In Persian]

63. Muhaqqiq Hilli, N. bin J. (1987). *Al-Mu'tabar fi Sharh al-Mukhtasar* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Mu'assasat Sayyid al-Shuhada. [In Arabic]
64. Muhaqqiq Hilli, N. bin J. (1988). *Shara'i' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram* (Vol. 1 & 2, 2nd ed.). Qom: Mu'assasat Ismailiyan. [In Arabic]
65. Muhaqqiq Hilli, N. bin J. (1998). *Al-Mukhtasar al-Nafi' fi Fiqh al-Imamiya* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Mu'assasat al-Matbu'at al-Diniya. [In Arabic]
66. Muhaqqiq Karkhi, A. bin H. (1995). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 1, 4, & 6, 2nd ed.). Qom: Mu'assasat al-Ahl al-Bayt. [In Arabic]
67. Mujahidian, S. M. (2008). *A review of the case of the claimants of legitimacy. Ma'aref Journal*, 59. [In Persian]
68. Musavi Qazvini, A. (2003). *Yanabi' al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
69. Najafi, S. J. (1987). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam* (Vol. 22 & 29, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
70. Naraghi, M. A. H. (1996). *Mustanad al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Mu'assasat al-Ahl al-Bayt. [In Arabic]
71. Naraghi, M. A. H. (2001). *Rasa'il wa Masail* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Naraghi Conference of Mullah Mahdi and Mullah Ahmad. [In Arabic]
72. Nawawi, M. D. (1964). *Al-Majmu'ah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
73. Nawawi, M. D. (1992). *Rawdat al-Talibin* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [In Arabic]
74. Poursaidagha'i, S. M., & Reza'i, H. (2017). Governance after Imam Mahdi from the perspective of Shiite narrations. *Mahdavi Studies Journal*, 23, 5-24. [In Persian]
75. Rawandi, Q. D. S. (1985). *Fiqh al-Qur'an* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
76. Rohani, M. S. (2014). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 8, 5th ed.). Qom: Ayin Danesh. [In Arabic]

77. Sabzawari, M. B. (2002). *Kifayat al-Ahkam* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
78. Samsami, M. M. (2008). Analysis of the factors and contexts leading to the emergence of claimants. *Mahdavi Studies Journal*, Autumn 2008(2), 25-39. [In Persian]
79. Shahid Thani, Z. A. (1992). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam* (Vols. 1, 3 & 12, 1st ed.). Qom: Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic]
80. Shahid Thani, Z. A. (1993). *Hashiyat al-Irshad* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Arabic]
81. Shahid Thani, Z. A. (2000). *Rasa'il al-Shahid al-Thani* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Arabic]
82. Sheikh Ansari, M. (1992). *Ahkam al-Khalal fi al-Salah* (1st ed.). Qom: International Congress of Shaykh al-Azam Ansari. [In Arabic]
83. Sheikh Ansari, M. (1993). *Rasa'il al-Fiqhiyah (Qa'idat La Darar)* (1st ed.). Qom: Islamic Thought Institute. [In Arabic]
84. Sheikh Ansari, M. (1994). *Kitab al-Makasib (Modern Edition)* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: International Congress of Shaykh al-Azam Ansari. [In Arabic]
85. Sheikh Ansari, M. (2007). *Fara'id al-Usul* (Vol. 1, 9th ed.). Qom: Islamic Thought Institute. [In Arabic]
86. Sheikh Mufid, M. M. N. A. B. (1992). *Al-Masa'il al-Saghaniyah* (1st ed.). Qom: International Congress of Shaykh Mufid. [In Arabic]
87. Sheikh Tusi, M. H. (1986). *Tahdhib al-Ahkam* (4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]
88. Sheikh Tusi, M. H. (1993). *Al-Amali* (1st ed.). Qom: Dar al-Thaqafah. [In Arabic]
89. Tabarsi, A. I., F. H. (1990). *Al-Mu'talif min al-Mukhtalif Bayna A'imma al-Salaf* (Vol. 1, 1st ed.). Mashhad: Islamic Research Center. [In Arabic]
90. Tabataba'i Haeri, S. A. M. (1989). *Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Mukhtasar al-Nafi* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Persian]

91. Tabataba'i Haeri, S. A. M. (1999). *Riyad al-Masail* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]
92. Yazdi, S. M. T. (2001). *Hashiyat al-Makasib* (2nd ed.). Qom: Ismailiyan Publications. [In Arabic]
93. Yousefian, M.; Shahbazian, M. (2013). *A review of some of the narrative proofs of Ahmad Basri, the false Yamani, and the Orient of the Promised.* *Mashriq Maw'ud Journal*, 7(27), 59-82. [In Persian]